

## تأثیر القاء همدلی شناختی و عاطفی بر رفتارهای آشکار تعارض در زوجین و ادراک آن‌ها از نتیجه تعارض

### Effects of affective and cognitive empathy induction on couples' behavior and outcomes in conflicts

\* Zohre Alaedini<sup>1</sup>, Shahram Moeeni<sup>2</sup>,  
Mohamad Bagher Kajbaf<sup>3</sup>

\* زهره علاءالدینی<sup>۱</sup>، شهرام معینی<sup>۲</sup>،  
محمدباقر کجباغ<sup>۳</sup>

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Higher Education Institute of Almahdi Mehr of Isfahan, Isfahan, Iran
2. Assistant Professor, department of Economics, University of Isfahan, University of Isfahan, Isfahan, Iran
3. Associate Professor, Department of Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

۱- استادیار و عضو هیئت علمی گروه روانشناسی، مؤسسه آموزش عالی المهدی مهر اصفهان

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

۳- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان

#### Abstract

The current study investigated the effect of affective and cognitive empathy induction on couples' behavior and outcomes in conflicts. The research design was experimental. The sample consisted of 48 couples who were selected based on convenience sampling method and assigned into experimental groups (cognitive empathy and emotional empathy) and control group randomly. In order to measure variables Batson and colleagues Writing Task, Interpersonal Reaction Index, and Relationship Network Questionnaire were administered. Multivariate analysis of variance indicated that the induction of cognitive empathy would reduce "conflict escalation" and increase "other-oriented listening". But induction of emotional empathy did not affect the variables. Regression analysis showed that perceived support can predict more outcome fairness and satisfaction, and less "conflict escalation". It is concluded that induction of empathy for couples can increase positive behaviors and reduce negative behaviors during conflicts. Also when couples perceived support in the relationship, they feel better about the results of conflicts.

#### Keywords:

Cognitive Perspective taking, Empathic concern, Conflict outcome

#### چکیده

هدف پژوهش بررسی تأثیر القاء همدلی شناختی و عاطفی بر رفتارهای آشکار تعارض در زوجین و ادراک آن‌ها از نتیجه تعارض بود. طرح پژوهش از نوع آزمایشی و نمونه شامل ۴۸ زوج بود که به دلیل تعارضات زناشویی به مراکز مشاوره‌ی سطح شهر اصفهان مراجعه کرده بودند و بر اساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. زوجینی که حاضر به همکاری در پژوهش شدند به‌طور تصادفی در گروه‌های آزمایشی (همدلی شناختی و همدلی عاطفی) و گواه قرار داده شدند. ابزارهای مورد استفاده، تکلیف نوشتاری بیستون و همکاران، شاخص واکنش بین شخصی و پرسشنامه‌ی شبکه‌ی روابط بود. نتایج با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره حاکی از آن بود که القاء همدلی شناختی "تشدید تعارض" را کاهش و "گوش دادن" را افزایش می‌دهد ( $P < 0.01$ )؛ اما القاء همدلی عاطفی اثری بر متغیرها ندارد. به‌منظور پیش‌بینی رفتارهای آشکار تعارض و ادراک فرد از نتیجه تعارض بر اساس همدلی و حمایت و قدرت ادراک‌شده در رابطه، از تحلیل رگرسیون استفاده شد و نتایج نشان داد که هر چه حمایت ادراک‌شده در رابطه بیشتر باشد فرد نتیجه تعارض را رضایت بخش‌تر و منصفانه‌تر ادراک می‌کند و تشدید تعارض کاهش می‌یابد ( $P < 0.05$ ). نتیجه تحقیق حاکی از آن است که القاء همدلی به زوجین می‌تواند باعث افزایش رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی به هنگام تعارض شود. همچنین وقتی زوجین در رابطه، احساس حمایت داشته باشند نسبت به نتیجه تعارضات خود احساس بهتری دارند.

#### کلیدواژه‌ها:

درک دیدگاه دیگران، توجه همدلانه، پیامد تعارض

#### مقدمه

بررسی عواملی که حل تعارض دوستانه<sup>۱</sup> را افزایش می‌دهد حائز اهمیت است. یکی از این عوامل می‌تواند همدلی باشد. در روابط مختلف، همدلی با سازه‌های مربوط به تعارض، مثل پرخاشگری کمتر

تعارضات با همسر در طول زندگی زناشویی اجتناب‌ناپذیر است و اگر به‌طور سازنده‌ای حل نشوند، می‌تواند منجر به ناسازگاری شوند (خجسته‌مهر، کوچکی و رجبی، ۲۰۱۳، کوردک، ۱۹۹۴). بنابراین

#### 1. Prosocial

.....

\* نویسنده مسئول: زهره علاءالدینی

نشانی: انتهای بلوار غدیر، خیابان پاسداران، دانشگاه المهدی، سپاهان شهر، اصفهان، ایران.

تلفن: ۰۹۳-۸۶۷۲۲۹۹۸ (+۹۸)

پست الکترونیک: zohrealaedini@yahoo.com

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰

طرفین<sup>۳</sup> به پایان رسیده است. همدلی ممکن است باعث شود فرد نتیجه‌ی تعارض را منصفانه‌تر و رضایت‌بخش‌تر ادراک کند (ون لیس، هاوک و مؤس، ۲۰۱۷).

القاء همدلی شناختی و عاطفی احتمالاً اثرات متفاوتی بر رفتار تعارض دارد. به اعتقاد نظریه‌پردازان، همدلی عاطفی مستقیماً رفتار پرخاشگرانه را بازداری می‌کند (بلکریشان و فرناندز، ۲۰۱۸) و افراد را برای کاهش پریشانی دیگران برمی‌انگیزد (برینک، ۲۰۱۸، فشیخ و فشیخ، ۲۰۱۲). در نتیجه، همدلی ممکن است رفتار منفی را کاهش و رفتار مثبت دوستانه را افزایش دهد. برای مثال در تحقیقی نشان داده شد که همدلی عاطفی شرکت‌کنندگان را برمی‌انگیزد تا با درخواست‌های طرف مقابل در مذاکره موافقت کنند و این امر رضایت طرف مقابل را افزایش می‌دهد (بیتسون و احمد، ۲۰۰۱، گالینسکی، مادوکس، گیلین و وایت، ۲۰۰۸)؛ اما در همدلی شناختی، فرد از هیجان‌های داغ بحث فاصله گرفته و دیدگاه طرف مقابل را در نظر می‌گیرد که ممکن است رفتار منفی را کاهش دهد، گوش دادن را بهتر کند و به افراد کمک نماید تا متقابلاً به پیامدهای سودمندی دست یابند (سندی و کوکران، ۲۰۱۱، اسلاونی و مور، ۲۰۱۸). در پژوهشی دیگر، نشان داده شده است که همدلی شناختی به شرکت‌کنندگان برای آشکار کردن توافقی‌های پنهان و دستیابی به پیامدهای بهتر کمک می‌کند. علاوه بر این همدلی شناختی از افزایش پرخاشگری در پاسخ به محرک‌های خشمگین‌کننده پیشگیری می‌نماید (ریچاردسون، هاموک، اسمیت، گاردنر و سیگنو، ۱۹۹۴).

علاوه بر القاء همدلی به‌صورت آزمایشگاهی و موقعیتی، میزان همدلی که فرد به‌صورت طبیعی دارد (همدلی گرایشی<sup>۴</sup>) نیز احتمالاً رفتارها و پیامدهای مرتبط با تعارض را پیش‌بینی می‌کند. دیویس (۱۹۸۳) در مقیاسی که برای ارزیابی تفاوت‌های فردی در همدلی ساخت، آن را شامل ۴ زیرمقیاس معرفی کرد که عبارت‌اند از: "درک دیدگاه دیگران"<sup>۵</sup>، "توجه همدلانه"<sup>۶</sup>، "پریشانی شخصی"<sup>۷</sup> و "خیال (فانتزی)"<sup>۸</sup>. همدلی عاطفی با زیرمقیاس "توجه همدلانه" سنجیده می‌شود، "توجه همدلانه"، گرایش به تجربه احساس همدردی و نگرانی برای دیگران و گرم بودن است. همدلی شناختی با زیرمقیاس "درک دیدگاه دیگران" سنجیده می‌شود. "درک دیدگاه دیگران"<sup>۹</sup> به افراد اجازه می‌دهد دیدگاه دیگران را درک کنند و در نظر بگیرند و رفتار و واکنش‌های دیگران را پیش‌بینی کنند و بنابراین روابط بین

و رفتار دوستانه بیشتر، همبستگی دارد (آیزنبرگ و میلر، ۱۹۸۷، میلر و آیزنبرگ، ۱۹۸۸). علاوه بر این تحقیقات اخیر نشان داده است که همدلی منجر به رفتارهای حل تعارض دوستانه‌تر می‌شود و کسانی که همدلی پائین دارند به احتمال بیشتری از نشانه‌های افسردگی رنج می‌برند (بنیک، جرونیموک و رات، ۲۰۱۹، تالی و همکاران، ۲۰۱۶، هافمن و همکاران، ۲۰۱۶) و تعارضات بیشتری با همسر خود خواهند داشت (سندی و کوکران، ۲۰۱۱). در این زمینه به تمایز بین همدلی عاطفی و شناختی نیز توجه شده است (دیویس، ۱۹۸۳): همدلی انواع مختلف واکنش‌ها به دیگران را منعکس می‌کند و می‌تواند شامل واکنش‌های هیجانی یا شناختی باشد. همدلی عاطفی به پاسخ‌های هیجانی دیگر-محور<sup>۱</sup> اشاره دارد و شامل گرایش به تجربه‌ی احساس همدردی، نگرانی برای دیگران و گرم بودن است. همدلی شناختی به فرایند در نظر گرفتن دیدگاه دیگران اشاره دارد و به افراد اجازه می‌دهد رفتار و واکنش‌های دیگران را پیش‌بینی کنند و بنابراین روابط بین شخصی مطلوب‌تری داشته باشند (دیویس، ۱۹۸۳). گرچه تمایز بین این ابعاد همدلی در ادبیات به‌وفور عنوان شده و مورد تأیید قرار گرفته است (آیزنبرگ، اسپینارد و سادوسکی، ۲۰۱۰، دیویس، ۱۹۸۳)، اما در مورد تأثیر این ابعاد همدلی بر رفتار و پیامد تعارض‌ها اطلاعات کمی وجود دارد. در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی آثار متفاوت القاء آزمایشگاهی همدلی بر رفتار آشکار و پیامدهای تعارضات زوجین، بر این اطلاعات افزوده شود.

از طرف دیگر محققان معتقدند که علاوه بر بررسی فرایند حل تعارض، بررسی پیامدهای تعارض نیز حائز اهمیت است (رچیا، راس و ویکار، ۲۰۱۲)، چراکه ممکن است با القاء همدلی، رفتارهای دوستانه فرد بیشتر شود اما پیامد تعارض تغییری نکند، برای مثال وقتی در رابطه، یکی از زوجین نفوذ بیشتری دارد، افزایش رفتارهای دوستانه طرفی که ضعیف‌تر است، تأثیر چندانی بر نتیجه‌ی نهایی تعارض نداشته باشد. بنابراین اندازه‌گیری پیامدها امکان بررسی این امر را فراهم می‌کند که آیا تغییر در رفتار زوجین، موازی با بهبود پیامدهای تعارض هست یا خیر؟ علاوه بر این با ارزیابی ادراک زوجین از پیامدها، امکان بررسی این مسئله نیز وجود دارد که آیا القاء همدلی، پیامدها را برای یکی از آن‌ها بهبود می‌بخشد یا برای هر دوی آن‌ها؟ پیامدهای تعارض معمولاً برحسب احساس فرد بعد از تعارض (آدامز و لاورسن، ۲۰۰۱) و همچنین به‌طور معمول‌تر برحسب میزان منصفانه بودن<sup>۲</sup> آن‌ها عملیاتی می‌شود. به این معنا که آیا درنهایت یکی برنده و دیگری بازنده بوده است یا برعکس، تعارض با مصالحه و پذیرش

3. compliance
4. dispositional empathy
5. perspective-taking
6. empathic concern
7. personal distress
8. fantasy

1. other-oriented
2. fair

بوم‌شناختی را بالا می‌برند (کوردک، ۱۹۹۴) و عینی‌تر از خودگزارشی‌ها هستند (ون‌لیسا، هاوک و مؤس، ۲۰۱۷). به همین دلیل در این پژوهش برای بررسی رفتارهای تعارض از روش مشاهده‌ای استفاده شد.

از آنجا که برخی متغیرها مثل جنسیت (پیت، ۲۰۰۴) و کیفیت رابطه (آتوود و اسکولتر، ۲۰۱۴) با همدلی و رفتارهای تعارض رابطه دارند در این پژوهش مورد توجه قرار گرفتند. جنسیت ممکن است با شیوه‌ی نشان دادن همدلی در رفتار رابطه داشته باشد. فشارهای اجتماعی سازی، دختران را ترغیب می‌کند که نسبت به پسران عاطفی‌تر بوده و رفتارهای مراقبت بیشتری داشته باشند (پیت، ۲۰۰۴). سطح همدلی گرایشی در دختران بالاتر است (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۰، هاوک و همکاران، ۲۰۱۳) و در تعارضات با همسالان خود رفتارهای دوستانه‌تری دارند (د-وید و مؤس، ۲۰۰۷)؛ اما جالب است که در نوجوانی تعارضات دختر-مادر بیشتر از تعارضات پسر-والد است (برانژه، لاورسن و کولینز، ۲۰۱۳، سیلک و همکاران، ۲۰۱۸، غفار تبریزی، ۲۰۰۸). همه این‌ها نشان می‌دهد که بررسی تفاوت‌های جنسیتی حائز اهمیت است، اما ناهمخوانی‌ها در ادبیات پژوهشی موجود، مانع فرمول‌بندی یک فرضیه‌ی خاص می‌شود.

همچنین اینکه تعارض زوجین چگونه حل می‌شود و چه پیامدهایی دارد تا حدی وابسته به کیفیت رابطه است و کیفیت رابطه می‌تواند در میزان "قدرت ۳" و "حمایت ۴" ادراک‌شده منعکس شود (ددس، کوچی، ویمالورا، هاوس و برنان، ۲۰۱۲). برای مثال پیامدهای تعارض زوجین ممکن است تحت تأثیر عدم تقارن قدرت در رابطه باشد، به طوری که یکی از زوجین که دارای قدرت کمتر است، بیشتر پیامدهای برنده-بازنده را بپذیرد و احساس خشم یا احساسی خنثی را تجربه کند (آدامز و لارسن، ۲۰۰۱، رچیا و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین وقتی زنان در "قدرت" بالاتر باشند میزان تعارضات خود بیشتر است (آتوود و اسکولتر، ۲۰۰۵) و مردان نقش کمتر فعالی به خود می‌گیرند (برانژه، ۲۰۱۳). به طور کلی زوجین در یک رابطه‌ی حمایتی، تعارضات کمتری دارند. وقتی مردان همسران خود را حمایت‌کننده‌ی ادراک می‌کنند، به احتمال بیشتری هیجان‌ها و دیدگاه او را در نظر می‌گیرند و تعارضات راحت‌تر حل می‌شوند (ون‌لیسا، هاوک و مؤس، ۲۰۱۷). به همین دلیل این پژوهش به بررسی نقش قدرت و حمایت ادراک‌شده در پیش‌بینی رفتارهای آشکار تعارض و پیامدهای آن نیز پرداخته است. به طور کلی در این پژوهش تأثیر القاء همدلی عاطفی و شناختی بر رفتار آشکار زوجین ("تشدید تعارض"، "کناره‌گیری"، "گوش دادن" و "مصالحه") و پیامدهای تعارضات زناشویی

شخصی مطلوب‌تری داشته باشند (دیویس، ۱۹۸۳). "توجه همدلانه" (به‌عنوان نمودی از همدلی عاطفی) به تجربه‌ی همدردی نسبت به پریشانی دیگران و "درک دیدگاه دیگران" (به‌عنوان نمودی از همدلی شناختی) به گرایش برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران اشاره دارد (دکنتی، میدن‌باوئر و کاتول، ۲۰۱۸). یک پژوهش طولی ۶ ساله نشان داده است که این دو نوع همدلی با کاهش خشم و افزایش حل مسئله ارتباط دارند (ون‌لیسا و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، هر چه توجه همدلانه (همدلی عاطفی) بیشتر باشد میزان مصالحه نیز بیشتر است، مصالحه از جمله رفتارهای مربوط به تعارض است که در آن طرفین برای حل تعارض به یک توافق و پذیرش دوطرفه دست پیدا می‌کنند (ون‌لیسا، هاوک و مؤس، ۲۰۱۷). برخی تحقیقات نیز نشان داده است که هر چه "درک دیدگاه دیگران" (همدلی شناختی) بیشتر باشد کناره‌گیری<sup>۱</sup> کمتر خواهد بود. کناره‌گیری نیز از جمله رفتارهای مربوط به تعارض است که در آن یکی از طرفین از ادامه بحث خودداری می‌کند (ون‌لیسا، هاوک و مؤس، ۲۰۱۷). یک پژوهش مقطعی بر دانشجویان دانشگاه نیز نشان داد که وقتی دانشجویان "توجه همدلانه" (همدلی عاطفی) داشته باشند در تعارضات با دوستان خود بیشتر مصالحه می‌کنند و وقتی "درک دیدگاه دیگران" (همدلی شناختی) در آن‌ها باشد، کمتر پرخاشگری کرده و بیشتر به حل مسئله می‌پردازند (ریچاردسون و همکاران، ۱۹۹۴). این یافته‌ها نشان می‌دهد که "توجه همدلانه" (همدلی عاطفی) و "درک دیدگاه دیگران" (همدلی شناختی) ممکن است پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتارهای تعارضی سازنده‌تر باشند.

این پژوهش‌ها بر اساس بحث‌های تعارضی شبیه‌سازی‌شده بین غریبه‌ها یا معماهای اجتماعی فرضی هستند و اعتبار بوم‌شناختی<sup>۲</sup> آن‌ها کم است. با بررسی آثار همدلی بر بحث‌های مربوط به عدم توافق‌های واقعی موجود که برای شرکت‌کنندگان دارای اهمیت شخصی هستند، می‌توان اعتبار بوم‌شناختی را بهبود بخشید. درواقع، یکی از محدودیت‌های ادبیات تحقیقی موجود، این است که اکثر پژوهش‌ها مبتنی بر خودگزارشی‌ها هستند و خودگزارشی از رفتارهای تعارضی سوگیرانه است (فینی و کسیدی، ۲۰۰۳)، زیرا اعضای رابطه، مشاهده‌گران آموزش‌دیده نیستند و در بحث‌ها سهم، جایگاه و منافع خود را دارند (هالوگ، کیسر، کریستسن، فهم-ولفزدورف و گروت، ۲۰۱۱). علاوه بر این، گزارش افراد از رفتار تعارض نسبت به همسر، تحت تأثیر دل‌بستگی آن‌ها قرار می‌گیرد، بنابراین لازم است در مورد همدلی و رفتار تعارضی از پژوهش‌های مشاهده‌ای استفاده شود (آدامز و لاورسن، ۲۰۰۱، ون‌لیسا، ۲۰۱۶). روش‌های مشاهده‌ای اعتبار

3. perceived power  
4. perceived support

1. withdrawal  
2. ecological validity

(رضایت و انصاف ادراک شده) مورد بررسی قرار گرفت. نقش جنسیت، سن، همدلی گرایشی، حمایت و قدرت ادراک شده در پیش‌بینی رفتار آشکار زوجین و پیامدهای تعارضات نیز بررسی شد. فرضیه‌ی تحقیق این بود که القاء همدلی منجر به کاهش تشدید و کناره‌گیری (سندی و کوکران، ۲۰۱۱، فشیباخ و فشیباخ، ۲۰۱۱) و افزایش "گوش دادن" و مصالحه می‌شوند (بیستون و احمد، ۲۰۰۱، گالینسکی و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین این فرضیه در نظر گرفته شد که کیفیت رابطه (قدرت و حمایت ادراک شده در رابطه) و همدلی گرایشی (توجه همدلانه و "درک دیدگاه دیگران") می‌تواند پیامدهای تعارض و رفتار آشکار زوجین را پیش‌بینی کنند.

## روش

طرح تحقیق از نوع آزمایشی همراه با گروه گواه بود. برای انتخاب نمونه از زوجین مراجعه‌کننده در بهار ۱۳۹۶ به سه مرکز مشاوره در سه ناحیه‌ی مختلف شهر اصفهان (۳ و ۵ و ۱) که به‌طور دسترس انتخاب شدند، خواسته شد که در پژوهش شرکت کنند. در مجموع ۴۸ زوج دارای ملاک ورود به تحقیق بودند. ملاک ورود به تحقیق این بود که یک موضوع تعارض حل نشده داشته باشند که بتوانند در طول جلسه در مورد آن با یکدیگر بحث کنند. میانگین و انحراف استاندارد سن برای زنان به ترتیب ۳۰/۳۳ و ۷/۶۷ و برای مردان ۳۵/۰۸ و ۶/۸۵ بود. در زنان ۱۵ نفر (۶۲/۵٪) تحصیلات بالاتر از دیپلم و ۹ نفر (۳۷/۵٪) دیپلم داشتند و در مردان ۱۴ نفر (۵۸/۳٪) تحصیلات بالاتر از دیپلم و ۱۰ نفر (۴۱/۷٪) دیپلم داشتند. در طول جلسه زوجین یک موضوع تعارض حل نشده را مشخص کردند. سپس به‌صورت تصادفی در گروه کنترل یا یکی از دو گروه آزمایشی قرار داده شدند (همدلی عاطفی و شناختی) در هر گروه ۱۶ زوج قرار گرفتند. سپس از زوج‌ها خواسته شد در مورد موضوع تعارض با یکدیگر بحث کنند و سعی کنند در مدت ۸ دقیقه به نتیجه برسند (بر اساس نظر برانژه، ۲۰۱۳، درایور و گاتمن، ۲۰۰۴). اگر بحث در ۸ دقیقه به نتیجه نمی‌رسید، می‌توانستند دو دقیقه زمان دیگر برای رسیدن به نتیجه تقاضا کنند. بحث‌ها ضبط شد. سپس زوجین پرسشنامه‌های بعد از بحث را برای ارزیابی میزان رضایت از نتیجه‌ی بحث و میزان منصفانه بودن آن، پر می‌کردند. همه شرایط پژوهش به‌صورت مشروح برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد.

## ابزار

### القاء همدلی

بر اساس نظر بیستون و همکاران (۲۰۰۳)، از یک تکلیف نوشتاری

برای آماده‌سازی طرز فکر (ذهنیت)<sup>۱</sup> همدلانه استفاده شد. برقراری ارتباط با نقطه‌نظر و دیدگاه موجود در یک نوشته، همدلی افراد را پرورش می‌دهد (بریل، ۲۰۰۴) و از آن برای مداخلات گوناگون، مثل مداخلات مبتنی بر همدلی برای متجاوزان پرخاشگر<sup>۲</sup>، استفاده شده است (من و بارنت، ۲۰۱۳). بر این اساس از زوجین خواسته شد یک مقاله‌ی کوتاه در مورد آخرین بحث خود درباره‌ی موضوع تعارض بنویسند.

از شرکت‌کنندگان در گروه همدلی عاطفی ابتدا خواسته شد "با توجه به موضوع آخرین بحث خود، احساسات و هیجان‌های همسر خود را بنویسید. سعی کنید که فقط در مورد احساسات و هیجان‌های همسرتان بنویسید". سپس از آن‌ها خواسته شد در طول جلسه که در مورد موضوع بحث می‌کنند، بر هیجان‌های همسر خود تمرکز کنند ("در طول بحثی که با همسرتان خواهید داشت، سعی کنید از هیجان‌های او آگاه باشید. بر احساسات و هیجان‌های او تمرکز داشته باشید و سعی کنید با او همدردی کنید"). از شرکت‌کنندگان در گروه همدلی شناختی ابتدا خواسته شد "با توجه به موضوع بحث، نقطه‌نظر، بحث‌ها و اهداف همسر خود را بنویسید. سعی کنید که فقط در مورد نقطه‌نظر، بحث‌ها و اهداف همسرتان بنویسید". سپس از آن‌ها خواسته شد در طول بحث بر دیدگاه همسر خود تمرکز کنند ("در طول بحثی که با همسرتان خواهید داشت، تصور کنید اگر شما جای او بودید چه فکری می‌کردید. سعی کنید مسائل را از دید او ببینید"). از شرکت‌کنندگان در گروه کنترل خواسته شد شرایط عینی را توصیف کنند (مثل شرایط مکانی که تعارض در آن رخ داده است، ژست‌ها و ...). سه نمره‌گذار نوشته‌ها را بر اساس تعداد ارجاعات به هیجان‌ها ( $\alpha = 0.78$ ) و شناخت‌های ( $\alpha = 0.81$ ) همسر بررسی کردند. بحث‌ها توسط یک مشاهده‌گر آموزش‌دیده که از شرایط گروه‌ها نامطلع بود، کدگذاری محتوایی<sup>۳</sup> شدند. از نسخه‌ی تجدیدنظرشده‌ی راهنمای آموزش کدگذاری فرآیند ارتباط دیشیون، ریورا و پاتراس (۲۰۰۲) استفاده شد. مشاهدات در ۴ مقوله کدگذاری شدند: تشدید فعالانه، کناره‌گیری منفعلانه، گوش دادن با توجه و مصالحه. تشدید فعال، به حمله‌ی شخصی و ابراز خشم اشاره دارد (شدت گرفتن تعارض). کناره‌گیری منفعلانه به پس زدن بحث اشاره دارد. رفتار دوستانه به‌صورت حل مسئله‌ی فعالانه و سازنده کدگذاری شد، مثل گوش دادن با توجه و مصالحه کردن. دو کدگذار<sup>۴</sup> دیگر نیز کدگذاری کردند و پایایی بالا بود ( $\alpha = 0.81$ ،  $z = 3.1$  و  $n = 8$ ،  $z = 1.9$ ). به کدگذاران آموزش داده شد تا هر شرکت‌کننده را در یک‌زمان کدگذاری کنند و شروع و پایان دقیق هر رفتار را در طول بحث مشخص کنند. برای کنترل تغییرات در طول مدت‌زمان بحث،

1. mindset
2. violent offenders
3. content coded
4. Coder

## نتایج

مقایسه مردان و زنان در متغیرها نشان داد که کناره‌گیری در مردان ( $M = 0/42$  و  $SD = 0/13$ ) نسبت به زنان ( $M = 0/33$  و  $SD = 0/15$ ) بیشتر است  $(F = 1$  و  $46$ )،  $P < 0/05$ ، با توجه به برقرار بودن پیش‌فرض‌های لازم (جدول ۱)، به‌منظور مقایسه‌ی تعداد شناخت‌ها و هیجان‌ها و رفتار آشکار زوجین ("تشدید تعارض"، "گوش دادن"، "کناره‌گیری" و "مصالحه") در سه گروه (همدلی شناختی، همدلی عاطفی و گواه) از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۱. بررسی پیش‌فرض‌های برابری واریانس‌ها، کوواریانس‌ها و نرمال بودن توزیع برای استفاده از تحلیل واریانس

sig.	آماره	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها
0/31	1/2	تعداد شناخت‌ها
0/41	0/89	تعداد هیجان‌ها
0/48	0/73	تشدید تعارض
0/71	0/34	گوش دادن
آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع		
0/2	0/08	تعداد شناخت‌ها
0/08	0/12	تعداد هیجان‌ها
0/2	0/09	تشدید تعارض
0/09	0/13	گوش دادن
0/73	0/79	آزمون M باکس برای برابری کوواریانس‌ها

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره (جدول ۲) نشان داد که مقدار  $F$  لامبدای ویلکز<sup>۲</sup> معنادار است، بنابراین بین سه گروه از لحاظ ترکیب خطی متغیرهای وابسته تفاوت معنادار وجود دارد ( $P < 0/01$ ) و نتایج تحلیل واریانس تک متغیره که در متن تحلیل اصلی انجام می‌گیرد، حاکی از آن است که سه گروه از لحاظ "تعداد شناخت‌ها"، "هیجان‌ها"، "تشدید تعارض" و "گوش دادن" با یکدیگر متفاوت اند ( $P < 0/05$ ).

مقایسه‌های زوجی (جدول ۳) نشان داد که القاء همدلی شناختی، تعداد شناخت‌ها و القاء همدلی عاطفی، تعداد هیجان‌ها را افزایش می‌دهد ( $P < 0/05$ ). القاء همدلی شناختی همچنین توانسته است تشدید تعارض را کاهش و گوش دادن را افزایش دهد ( $P < 0/01$ ).

به‌منظور پیش‌بینی رفتار آشکار ("تشدید تعارض"، "گوش دادن"، "کناره‌گیری" و "مصالحه") و پیامدهای تعارض ("رضایت از نتیجه" و "انصاف ادراک‌شده") بر اساس همدلی، حمایت، قدرت و سن، از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج (جدول ۴) حاکی از آن بود که "حمایت" و "قدرت" در رابطه می‌توانند تشدید تعارض کمتر را پیش‌بینی کنند

میزان زمانی که هر فرد صرف یک رفتار می‌کرد با هم جمع شد و بر زمان کل بحث تقسیم شد که مقیاسی از درصد زمان صرف شده در هر مقوله را نشان می‌داد.

## همدلی گرایشی

برای اندازه‌گیری همدلی گرایشی از شاخص واکنش بین شخصی<sup>۱</sup> استفاده شد. این پرسشنامه توسط دیویس (۱۹۸۰) ساخته شده و دارای ۲۸ آیتیم است که ۴ زیرمقیاس ۷ آیتیمی دارد و هر کدام یکی از ابعاد همدلی را نشان می‌دهد و در یک مقیاس لیکرت ۵ نمره ای ارزیابی می‌شود. از بین آن‌ها مقیاس "درک دیدگاه دیگران" (که نمودی از همدلی شناختی است) و مقیاس "توجه همدلانه" (که نمودی از همدلی عاطفی است) مورد استفاده قرار گرفت. مقیاس "درک دیدگاه دیگران"، گرایش به گرفتن خود به خودی دیدگاه روان‌شناختی دیگران را ارزیابی می‌کند (مثل "من گاهی اوقات تلاش می‌کنم با تصور اینکه مسائل از دیدگاه همسرم چگونه به نظر می‌رسند، او را بهتر بفهمم") ( $\alpha = 0/81$ ) و مقیاس "توجه همدلانه"، احساسات دیگر-محور همدردی و نگرانی نسبت به مشکلات و بدبختی‌های دیگران را ارزیابی می‌کند (مثل "بدبختی‌های همسرم معمولاً من را به هم نمی‌ریزد" (نمره‌گذاری معکوس) ( $\alpha = 0/76$ ).

## کیفیت ادراک‌شده‌ی ارتباط زوجین

برای اندازه‌گیری کیفیت ادراک‌شده‌ی رابطه از پرسشنامه‌ی شبکه‌ی روابط (فارمن و بارمستر، ۱۹۸۵) استفاده شد. شرکت‌کنندگان زیرمقیاس "حمایت" (۹ آیتیم،  $\alpha = 0/8$ ) مثل "آیا همسرتان شما را تحسین می‌کند و به شما احترام می‌گذارد؟" و زیرمقیاس "قدرت" (۶ آیتیم،  $\alpha = 0/89$ ) مثل "در رابطه‌ی بین شما همسرتان تا چه حد رئیس است؟" را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از هیچ تا خیلی زیاد نمره‌گذاری کردند.

## رضایت و انصاف ادراک‌شده

هرچند در کارهای قبلی عاطفه‌ی کلی بعد از تعارض اندازه‌گیری می‌شد (آدامز و لاورسن، ۲۰۰۱)، در این پژوهش، هدف به‌طور اختصاصی اندازه‌گیری رضایت از پیامدهای تعارض بود. علاوه بر این، در پژوهش‌های قبلی منصفانه بودن نتیجه‌ی تعارض، به‌صورت مقوله ای ارزیابی می‌شد (رچینا و همکاران، ۲۰۱۲)، درحالی‌که در این پژوهش، هدف به دست آوردن یک مقیاس پیوسته بود. بنابراین دو مقیاس طراحی شد: رضایت پیامد (۳ آیتیم،  $\alpha = 0/86$ ) "تا چه حد از نتیجه‌ی بحث راضی هستید؟" و منصفانه بودن نتیجه (۳ آیتیم،  $\alpha = 0/89$ ) "چقدر نتیجه‌ی بحث منصفانه است؟" که در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از هیچ تا خیلی زیاد نمره‌گذاری شدند.

2. Wilks' Lambda

1. Interpersonal Reactivity Index

کمتر منصفانه ادراک کند ( $P < 0.05$ )، درحالی که وقتی احساس حمایت در رابطه بیشتر باشد، نتیجه منصفانه تر ادراک می شود ( $P < 0.05$ ). نتایج همچنین حاکی از آن است که با افزایش سن "گوش دادن" بیشتر و میزان رضایت از نتیجه‌ی تعارض کمتر می شود ( $P < 0.05$ ).

( $P < 0.05$ )، همچنین احساس حمایت در رابطه و بالا بودن همدلی عاطفی (توجه همدلانه) نیز می تواند پیش بینی کنند که رضایت فرد از نتیجه‌ی تعارض بیشتر خواهد بود ( $P < 0.05$ ). همدلی عاطفی (توجه همدلانه) همچنین می تواند پیش بینی کند که فرد نتیجه‌ی تعارض را

جدول ۲. خلاصه تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه‌ی میانگین سه گروه

توان	مجذور	sig.	F	Df	پارامتر	ارزش	
۰/۹۹	۰/۳۴	۰/۰۰۱	۵/۴	۸	۴۳/۱۹	۰/۴۴	شاخص لامبدای ویلکز
توان	اندازه‌ی اثر	sig.	F	Df	میانگین مجزورات	متغیرها	
۰/۷۴	۰/۱۷	۰/۰۱	۴/۵	۲	۷۶/۶۹	تعداد شناخت‌ها	عضویت گروهی
۰/۶۰	۰/۱۳	۰/۰۴	۳/۳۵	۲	۳۹/۵۲	تعداد هیجان‌ها	
۰/۹۵	۰/۳۷	۰/۰۰۱	۸/۱۵	۲	۰/۱۱	تشدید تعارض	
۰/۹۰	۰/۲۳	۰/۰۰۳	۶/۸۲	۲	۰/۱۶	گوش دادن	

جدول ۳. نتایج مقایسه‌های زوجی تأثیر عضویت گروهی بر رفتار آشکار و پیامدهای تعارض

متغیر وابسته	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین با گروه گواه	معناداری
تعداد شناخت‌ها	گروه گواه	۶/۹۴	۴/۲۳		
	گروه همدلی شناختی	۱۱/۲۵	۳/۵۷	۴/۳۱	۰/۰۰۵
تعداد هیجان‌ها	گروه گواه	۸/۴۴	۳/۳۳		
	گروه همدلی عاطفی	۱۱/۳۸	۳/۵۷	۲/۹۴	۰/۰۲
تشدید تعارض	گروه گواه	۰/۴۱	۰/۱۴		
	گروه همدلی شناختی	۰/۲۵	۰/۱۱	۰/۱۶	۰/۰۰۱
گوش دادن	گروه گواه	۰/۳۰	۰/۱۶		
	گروه همدلی شناختی	۰/۵۱	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۰۰۱

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی رفتار آشکار و پیامدهای تعارض بر اساس کیفیت ادراک‌شده‌ی رابطه، سن و همدلی گرایشی

مدل	پیش‌بینی کننده	B	SE	t	p
تشدید تعارض، $P = 0.015$ , $F(2, 45) = 3/22$ , $R^2 = 0.28$					
	Intercept	۰/۶۱	۰/۱	۵/۷۱	۰/۰۰۱
	حمایت ادراک‌شده	-۰/۰۴	۰/۰۰۲	-۲/۲۹	۰/۰۳
	قدرت	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	-۲/۵۸	۰/۰۱۳
گوش دادن، $P = 0.04$ , $F(2, 45) = 1/02$ , $R^2 = 0.11$					
	Intercept	۰/۲۲	۰/۱۵	۱/۴۴	۰/۱۶
	سن	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۱/۹۶	۰/۰۵
رضایت از نتیجه، $P = 0.001$ , $F(2, 45) = 4/09$ , $R^2 = 0.33$					
	Intercept	۹/۱۹	۳/۰۳	۳/۰۴	۰/۰۰۱
	توجه همدلانه	۰/۱۱	۰/۰۶	۱/۸۹	۰/۰۵
	حمایت ادراک‌شده	۰/۱۲	۰/۰۵	۲/۶۵	۰/۰۱
	سن	-۰/۱۶	۰/۰۶	-۲/۵۱	۰/۰۱
انصاف ادراک‌شده، $P = 0.01$ , $F(2, 45) = 3/33$ , $R^2 = 0.29$					
	Intercept	۷/۱۲	۳/۳۵	۲/۱۲	۰/۰۴
	توجه همدلانه	-۰/۱۵	۰/۰۷	-۲/۳۷	۰/۰۲
	حمایت	۰/۱۵	۰/۰۵	۲/۸۹	۰/۰۰۶

**بحث**

نتایج همچنین نشان داد که احساس حمایت در رابطه، باعث می شود رضایت فرد از نتیجه‌ی تعارض بیشتر باشد و نتیجه‌ی تعارض را منصفانه‌تر ادراک کند. در واقع وقتی افراد همسر خود را حمایت‌کننده ادراک می‌کنند از نتیجه تعارضات رضایت بیشتری دارند و آن‌ها را منصفانه‌تر ادراک می‌کنند. همدلی عاطفی (توجه همدلانه) نیز می‌تواند پیش‌بینی کند که رضایت فرد از نتیجه‌ی تعارض بیشتر خواهد بود، درحالی‌که باعث می‌شود فرد نتیجه‌ی تعارض را کمتر منصفانه ادراک کند. در واقع در افرادی که همدلی عاطفی بیشتر دارند، میزان رضایت بعد از تعارض هم بیشتر است، زیرا همدلی، رفتارهای تعارض دوستانه را افزایش داده و منجر به بحث‌های دوستانه‌تر می‌شود؛ اما میزان انصاف ادراک‌شده کمتر است زیرا همدلی عاطفی ممکن است فرد را وادار کند تا پریشانی طرف مقابل را به بهای از دست دادن منافع خود کاهش دهد و این باعث می‌شود احساس کند نتیجه‌ی نهایی تعارض منصفانه نبوده است.

این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین چندین نقطه‌ی قوت دارد. گرچه تمایز بین همدلی عاطفی و شناختی کاملاً مورد تأیید قرار گرفته، اما تا آنجا که نویسنده‌ی این مقاله جستجو کرده است این اولین تلاش برای بررسی آثار متفاوت این ابعاد همدلی در بحث‌های تعارض‌آمیز در مورد عدم توافق‌های واقعی در روابط بوده است، درحالی‌که در پژوهش‌های پیشین تعاملات فرضی با غریبه‌ها بررسی می‌شد. علاوه بر این کدگذاران آموزش‌دیده رفتارهای تعارض را با دقت بالا تحلیل کردند، درحالی‌که پژوهش‌های قبلی اغلب بر مقیاس‌های خودگزارشی که ممکن است سوگیری داشته باشند تکیه داشتند (ون لیسا و همکاران، ۲۰۱۶).

نتایج نشان داد که همدلی شناختی منجر به تشدید تعارض کمتر شده و گوش دادن دیگر-محور را افزایش می‌دهد. همدلی شناختی، به‌ویژه، به نظر می‌رسد به افراد کمک کند از گرمای تعارض فاصله گرفته و دیدگاه طرف مقابل را در نظر بگیرند که این امر منجر به ادراک پیامدها به‌صورت رضایت‌بخش و منصفانه می‌شود. گرچه برنامه‌های بسیاری جنبه‌های عاطفی و شناختی همدلی را (فری، نون، ادستروم و هیرسچستین، ۲۰۰۵، کاپراره، لوئنگوکاناکری، زوفیانو، گرینو و پاستورلی، ۲۰۱۵، لوئیس و همکاران، ۲۰۱۳، دکتی و یادر، ۲۰۱۶) ارتقاء می‌دهند، اما اطلاعات کمی در مورد اثرات متفاوت این ابعاد همدلی بر رفتارهای بین شخصی و پیامدها و نحوه‌ی تعامل آن‌ها با همدلی‌گرایی، وجود دارد. بنابراین، پژوهش حاضر برای مداخلات مبتنی بر همدلی اشارات مهمی دارد، زیرا اهمیت تمایز بین همدلی عاطفی و همدلی شناختی و اهمیت تمایز بین همدلی‌گرایی و همدلی موقعیتی را، پررنگ می‌کند. نتایج نشان داد که افراد از لقاء همدلی سود می‌برند. از آنجاکه حتی یک لقاء کوچک اثرات معناداری

هدف این پژوهش بررسی این مسئله بود که آیا لقاء همدلی عاطفی و شناختی به‌صورت آزمایشگاهی (تجربی) رفتارهای دوستانه‌ی تعارض را بهبود می‌بخشد و متقابلاً نتایج سودمندتری در بحث‌ها ایجاد می‌کند یا خیر. نتایج حاکی از آن بود که لقاء همدلی شناختی، تشدید تعارض را کاهش و گوش دادن را افزایش می‌دهد. تحقیقات پیشین نیز نشان داده‌اند که همدلی می‌تواند به حل موفقیت‌آمیز تعارضات کمک کند و کسانی که همدلی بالاتری دارند در موقعیت‌های تعارض‌آمیز، رفتارهای سازنده‌تری (مثل حل مسئله و گوش دادن) از خود نشان می‌دهند (ریچاردسون و همکاران، ۱۹۹۴ ویدز، برانژه و مؤس، ۲۰۰۷ و گالینسکی و همکاران، ۲۰۰۸). در این تحقیق نیز مشخص شد که لقاء همدلی شناختی رفتارهای سازنده (مثل گوش دادن) را افزایش و رفتارهای غیر سازنده (مثل تشدید تعارض) را کاهش می‌دهد. ریچاردسون و همکاران (۱۹۹۴) و گالینسکی و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهش‌های خود نشان دادند که همدلی شناختی، حل مسئله و گوش دادن را افزایش می‌دهد. در تحقیقات آن‌ها بین "درک دیدگاه دیگران" (همدلی شناختی) با پاسخ‌های سازنده (مثل حل مسئله) در طول تعارض رابطه مثبت وجود داشت درحالی‌که همدلی شناختی با رفتارهای پرخاشگرانه که منجر به تشدید تعارض می‌شوند رابطه‌ی منفی داشت. در واقع همدلی شناختی افراد را وادار می‌کند تا حدی از تعارض، فاصله‌ی هیجانی بگیرند و در مورد دیدگاه طرف مقابل با گوش دادن قبل از عمل کردن، اطلاعات جمع‌آوری کنند و بنابراین تعارض شدت نمی‌گیرد.

نتایج حاکی از آن بود که کیفیت ادراک‌شده‌ی رابطه، هم رفتار آشکار و هم نتیجه‌ی خودگزارش‌شده را پیش‌بینی می‌کند. در واقع هم احساس حمایت و هم احساس قدرت در رابطه، تشدید تعارض کمتر را پیش‌بینی می‌کنند و احتمالاً هرکدام به دلایل متفاوتی این اثر را دارند. روابط حمایتی هماهنگ‌تر هستند، درحالی‌که قدرت، با فراوانی تعارض رابطه دارد (د گوئد و همکاران، ۲۰۱۱). شاید افراد با همسر دارای قدرت از شدت دادن به تعارض اجتناب می‌کنند زیرا مجادلات در حال حاضر زیاد هستند. علاوه بر این افرادی که همسر خود را دارای قدرت ادراک می‌کنند بیشتر ممکن است در تعارضات کناره‌گیری کنند و القای همدلی عاطفی این کناره‌گیری را کمتر می‌کند. برانژه (۲۰۱۳) نیز نشان داد که زنان وقتی ناهمخوانی قدرت کمتری ادراک می‌کنند در تعارض با همسران خود نقش فعال‌تری می‌گیرند و بنابراین تعارض سریع‌تر حل می‌شود. هر دو یافته در این راستا هستند که افراد با قدرت کمتر در مذاکرات، نسبت به افراد قدرتمند، دقت و توجه بیشتری دارند و بیشتر تلاش می‌کنند تعارض را حل کنند (کلنتر، گروتفولد و اندرسون، ۲۰۰۳).

منطبق نباشد (فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵). ادراک افراد از کیفیت رابطه احتمالاً به صورت قوی‌تری با رفتارهای خودشان و نتایج خودگزارشی همبسته است، درحالی‌که اندازه‌های عینی‌تر کیفیت رابطه ممکن است هم رفتارهای افراد و هم خودگزارشی‌ها را در یک محدوده‌ی وسیع‌تر پیش‌بینی کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش با حجم نمونه‌ی بزرگ‌تر تکرار<sup>۱</sup> شود و نقش واسطه‌ای رفتارهای تعارضی در تأثیر القاء همدلی شناختی بر نتیجه‌ی تعارض نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای ارزیابی کیفیت رابطه می‌توان در پژوهش‌های آتی به‌جای استفاده از ابزارهای خودگزارشی از مصاحبه یا مشاهده‌ی رفتاری استفاده نمود.

دارد، مداخلات ساختاری قوی‌تر ممکن است اثرات برجسته‌تری برای افراد داشته باشد. روی هم‌رفته این نتایج اولین شواهد علی را فراهم می‌کند که القاء همدلی عاطفی و شناختی آثار منحصر به فردی بر رفتار آشکار و نتایج خودگزارش شده در تعارض زوجین دارد.

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کوچک بودن حجم نمونه اشاره کرد که تعمیم‌پذیری را محدود می‌کند و اجازه نمی‌دهد نقش واسطه‌ای رفتارهای تعارضی در تأثیر القاء همدلی شناختی بر نتیجه‌ی تعارض بررسی شود. همچنین نتایج حاصل از مقیاس‌های کیفیت ادراک‌شده‌ی ارتباط ممکن است به‌طور کامل با واقعیت عینی

---

1. Replicate



## References

- Adams, R., & Laursen, B. (2001). The Organization and Dynamics of Adolescent Conflict with Parents and Friends. *Journal of Marriage and Family*, 63(1), 97-110. [DOI:10.1111/j.1741-3737.2001.00097]
- Atwood, J. D., & Scholtz, C. (2005). Power Differentials in Relationships. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4(4), 57-77. [DOI:10.1300/J398v04n04\_04]
- Balakrishnan, V., & Fernandez, T. (2018). Self-esteem, empathy and their impacts on cyberbullying among young adults. *Telematics and Informatics*, 35(7), 2028-2037. doi: [DOI:10.1016/j.tele.2018.07.006]
- Batson, C. D., & Ahmad, N. (2001). Empathy-induced altruism in a prisoner's dilemma II: what if the target of empathy has defected? *European Journal of Social Psychology*, 31(1), 25-36. [DOI:10.1002/ejsp.26]
- Batson, C. D., Lishner, D. A., Carpenter, A., Dulin, L., Harjusola-Webb, S., Stocks, E. L., Sampat, B. (2003). "... As you Would have Them Do Unto You": Does Imagining Yourself in the Other's Place Stimulate Moral Action? *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(9), 1190-1201. [DOI:10.1177/0146167203254600] [PMid:15189613]
- Bennik, E. C., Jeronimus, B. F., & aan het Rot, M. (2019). The relation between empathy and depressive symptoms in a Dutch population sample. *Journal of Affective Disorders*, 242, 48-51. [DOI:10.1016/j.jad.2018.08.008] [PMid:30173062]
- Branje, S. J. T. (2013). Conflict Management in Mother-Daughter Interactions in Early Adolescence. *Behaviour*, 145(11), 1627-1651. DOI:10.1163/156853908786131315]
- Branje, S. J. T., Laursen, B., and Collins, W. A. (2013). Parent-child communication during adolescence. In A. L. Vangelisti (Ed.), *The Routledge handbook of family communication* (2nd ed., pp. 271-286). New York: Routledge.
- Brill, F. (2004). Thinking outside the box: imagination and empathy beyond story writing. *Literacy*, 38(2), 83-89. [DOI:10.1111/j.0034-0472.2004.03802004.x]
- Brinck, I. (2018). Empathy, engagement, entrainment: the interaction dynamics of aesthetic experience. *Cognitive Processing*, 19(2), 201-213. [DOI:10.1007/s10339-017-0805-x] [PMid:28391411 PMCid:PMC5976699]
- Caprara, G. V., Luengo Kanacri, B. P., Zuffianò, A., Gerbino, M., & Pastorelli, C. (2015). Why and How to Promote Adolescents' Prosocial Behaviors: Direct, Mediated and Moderated Effects of the CEPIDEA School-Based Program. *Journal of Youth and Adolescence*, 44(12), 2211-2229. [DOI:10.1007/s10964-015-0293-1] [PMid:25963445]
- Dadds, M. R., Cauchi, A. J., Wimalaweera, S., Hawes, D. J., & Brennan, J. (2012). Outcomes, moderators, and mediators of empathic-emotion recognition training for complex conduct problems in childhood. *Psychiatry Research*, 199(3), 201-207. [DOI:10.1016/j.psychres.2012.04.033] [PMid:22703720]
- Davis, M. H. (1980). A Multidimensional Approach to Individual Differences in Empathy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 10, 85, 86-99.
- Davis, M. H. (1983). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44(1), 113-126. [DOI:10.1037/0022-3514.44.1.113]
- De Goede, I. H. A., Branje, S. J. T., & Meeus, W. H. J. (2009). Developmental Changes in Adolescents' Perceptions of Relationships with Their Parents. *Journal of Youth and Adolescence*, 38(1), 75-88. [DOI:10.1007/s10964-008-9286-7] [PMid:19636793]
- De Wied, M., Branje, S. J. T., & Meeus, W. H. J. (2007). Empathy and conflict resolution in friendship relations among adolescents. *Aggressive Behavior*, 33(1), 48-55. [DOI:10.1002/ab.20166] [PMid:17441005]
- Decety, J., Meidenbauer, K. L., & Cowell, J. M. (2018). The development of cognitive empathy and concern in preschool children: A behavioral neuroscience investigation. *Developmental Science*, 21(3), e12570. [DOI: 10.1111/desc.12570] [PMid:28523733]
- Decety, J., & Yoder, K. J. (2016). Empathy and motivation for justice: Cognitive empathy and concern, but not emotional empathy, predict sensitivity to injustice for others. *Social Neuroscience*, 11(1), 1-14. [DOI:10.1080/17470919.2015.1029593] [PMid:25768232] [PMCid:PMC4592359]
- Dishion, T., Rivera, E. K., & Patras, J.M. (2002). *Relationship Process Code training manual: A system for coding relationship interactions*. University of Oregon: Child and Family Center.
- Driver, J. L., & Gottman, J. M. (2004). Daily Marital Interactions and Positive Affect During Marital Conflict Among Newlywed Couples. *Family Process*, 43(3), 301-314. [DOI:10.1111/j.1545-5300.2004.00024.x] [PMid:15386956]
- Eisenberg, N., & Miller, P. A. (1987). The relation of empathy to prosocial and related behaviors. *Psychological Bulletin*, 101(1), 91-119. [DOI:10.1037/0033-2909.101.1.91] [PMid: 3562705]
- Eisenberg, N., Spinrad, T. L., & Sadovsky, A. (2010). Empathy-related responding in children. *Handbook of moral development* (pp. 517-549). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Feeney, B. C., & Cassidy, J. (2003). Reconstructive memory related to adolescent-parent conflict interactions: the influence of attachment-related representations on immediate perceptions and changes in perceptions over time. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(5), 945. [DOI:10.1037/0022-3514.85.5.945] [PMid:14599256]
- Feshbach, N. D., and Feshbach, S. (2012). Empathy and education. In J. Decety and W. J. Ickes (Eds.), *The social neuroscience of empathy* (pp. 85-97). Cambridge, MA: MIT Press. [DOI:10.7551/mitpress/9780262012973.003.0008]
- Frey, K. S., Nolen, S. B., Van Schoiack Edstrom, L., & Hirschstein, M. K. (2005). Effects of a school-based social-emotional competence program: Linking children's goals, attributions, and behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 26(2), 171-200. [DOI:10.1016/j.appdev.2004.12.002]
- Furman, W., & Buhrmester, D. (1985). Children's perceptions of the personal relationships in their social networks. *Developmental psychology*, 21(6), 1016-1024. [DOI:10.1037/0012-1649.21.6.1016]

- Galinsky, A. D., Maddux, W. W., Gilin, D., & White, J. B. (2008). Why it pays to get inside the head of your opponent: the differential effects of perspective taking and empathy in negotiations. *Psychological Science*, 19(4), 378-384. [DOI:10.1111/j.1467-9280.2008.02096.x] [PMid:18399891]
- Ghafar Tabrizi, R. (2008). [Reversal theory and physiological linkage in the low-conflict and high-conflict mother-daughter dyadic interactions (Persian)]. *Contemporary Psychology*, 3(1), 62-75.
- Hahlweg, K., Kaiser, A., Christensen, A., Fehm-Wolfsdorf, G., & Groth, T. (2011). Self-Report and Observational Assessment of Couples' Conflict: The Concordance between the Communication Patterns Questionnaire and the KPI Observation System. *Journal of Marriage and Family*, 62(1), 61-67. [DOI:10.1111/j.1741-3737.2000.00061.x]
- Hawk, S. T., Keijsers, L., Branje, S. J. T., Graaff, J. V. d., Wied, M. d., & Meeus, W. (2013). Examining the Interpersonal Reactivity Index (IRI) Among Early and Late Adolescents and Their Mothers. *Journal of Personality Assessment*, 95(1), 96-106. [DOI:10.1080/00223891.2012.696080] [PMid: 22731809]
- Hoffmann, F., Banzhaf, C., Kanske, P., Gärtner, M., Bermpohl, F., & Singer, T. (2016). Empathy in depression: Egocentric and altercentric biases and the role of alexithymia. *Journal of Affective Disorders*, 199, 23-29. [DOI:https://doi.org/10.1016/j.jad.2016.03.007] [PMid:27060429]
- Keltner, D., Gruenfeld, D. H., & Anderson, C. (2003). Power, approach, and inhibition. *Psychological review*, 110(2), 265-284. [DOI:10.1037/0033-295X.110.2.265] [PMid:12747524]
- Khojasteh Mehr, R., Koochaki, R. and Rajabi, Gh. (2013). [Mediating role of relationship attributions and destructive conflict resolution strategies on the relationship between attachment styles and marital quality (Persian)]. *Contemporary Psychology*, 7(2), 3-14.
- Kurdek, L. A. (1994). Conflict Resolution Styles in Gay, Lesbian, Heterosexual Nonparent, and Heterosexual Parent Couples. *Journal of Marriage and Family*, 56(3), 705-722. [DOI:10.2307/352880]
- Lewis, K. M., Schure, M. B., Bavarian, N., DuBois, D. L., Day, J., Ji, P., Flay, B. R. (2013). Problem Behavior and Urban, Low-Income Youth: A Randomized Controlled Trial of Positive Action in Chicago. *American Journal of Preventive Medicine*, 44(6), 622-630. [DOI:10.1016/j.amepre.2013.01.030] [PMid:23683980] [PMCID:PMC3723403]
- Mann, R. E., & Barnett, G. D. (2013). Victim Empathy Intervention with Sexual Offenders: Rehabilitation, Punishment, or Correctional Quackery? *Sexual Abuse*, 25(3), 282-301. [DOI:10.1177/1079063212455669] [PMid: 22915205]
- Miller, P. A., & Eisenberg, N. (1988). The relation of empathy to aggressive and externalizing/antisocial behavior. *Psychological Bulletin*, 103(3), 324-344. [DOI:10.1037/0033-2909.103.3.324] [PMid:3289071]
- Pettitt, L. M. (2004). Gender intensification of peer socialization during puberty. *New directions for child and adolescent development*, 106, 23-34. [DOI:10.1002/cd.114] [PMid:15707160]
- Recchia, H. E., Ross, H. S., & Vickar, M. (2012). Power and conflict resolution in sibling, parent-child, and spousal negotiations. *Journal of Family Psychology*, 24(5), 605-615. [DOI:10.1037/a0020871] [PMid:20954771]
- Richardson, D. R., Hammock, G. S., Smith, S. M., Gardner, W., & Signo, M. (1994). Empathy as a cognitive inhibitor of interpersonal aggression. *Aggressive Behavior*, 20(4), 275-289. [DOI:10.1002/1098-2337(1994)20:4<275:Aid-ab2480200402>3.0.Co;2-4]
- Sandy, S. V., & Cochran, K. M. (2011). The development of conflict resolution skills in children: Preschool to adolescence. In *The handbook of conflict resolution: Theory and practice*. (pp. 316-342). San Francisco, CA, US: Jossey-Bass.
- Silke, C., Brady, B., Boylan, C., & Dolan, P. (2018). Factors influencing the development of empathy and pro-social behaviour among adolescents: A systematic review. *Children and Youth Services Review*, 94, 421-436. [DOI:10.1016/j.childyouth.2018.07.027]
- Slavny, R. J. M., & Moore, J. W. (2018). Individual differences in the intentionality bias and its association with cognitive empathy. *Personality and Individual Differences*, 122, 104-108. [DOI:10.1016/j.paid.2017.10.010]
- Tully, E. C., Ames, A. M., Garcia, S. E., & Donohue, M. R. (2016). Quadratic Associations between Empathy and Depression as Moderated by Emotion Dysregulation. *The Journal of Psychology*, 150(1), 15-35. [DOI:10.1080/00223980.2014.992382] [PMid:25565484]
- Van Lissa, C. J., Hawk, S. T., Branje, S., Koot, H. M., & Meeus, W. H. J. (2016). Common and unique associations of adolescents' affective and cognitive empathy development with conflict behavior towards parents. *Journal of Adolescence*, 47, 60-70. [DOI: 10.1016/j.adolescence.2015.12.005] [PMid:26760479]
- Van Lissa, C. J., Hawk, S. T., & Meeus, W. H. J. (2017). The effects of affective and cognitive empathy on adolescents' behavior and outcomes in conflicts with mothers. *Journal of Experimental Child Psychology*, 158, 32-45. [DOI:10.1016/j.jecp.2017.01.002] [PMid:28189885]